

波斯语基础教程

Ⅱ

فارسی

李 湘 主编

北京大学出版社

فهرست محتوا

بخش اول 上册

第一课	课文	کتابخانه کلاس	1
	语法	将来时	3
第二课	课文	زمین و خورشید و ستارگان	9
	语法	等级比较	11
第三课	课文	دهقان فداکار	17
	语法	过去完成时	19
第四课	课文	سفر به شیراز	25
	语法	动词对应性	28
第五课	课文	ماهگیر پیر (۱)	33
	语法	主动形容词和被形容词	36
第六课	课文	ماهگیر پیر (۲)	40
	语法	复合名词	42
第七课	课文	ای، پسر عزیز، درختکاری	46
	阅读课文	اشتباه اردک	51
第八课	课文	همه با هم	53
	语法	动名词(二)	55
第九课	课文	دوستان قهرمان	61
	语法	及物动词和不及物动词	64
第十课	课文	آب و هوا به چه چیزهایی بستگی دارد	69
	语法	方式状语从句	72

第十一课	课文	فردوسی و سعدی	77
	语法	复合形容词	81
第十二课	课文	مردابی و سنگبشت	85
	语法	过去假定时	89
第十三课	课文	خروس و روباه	95
	语法	时间状语从句	98
第十四课	课文	بهترین ارمنان	104
	语法	宾语从句	107
第十五课	课文	راه آهن	113
	语法	定语从句	116
第十六课	诗歌	جوجه نافرمان	124
	阅读课文	ز گهواره تا گور دانش بجوی	125
词汇表	واژه‌ها		130

目 录

下 册

第一课	课文	کتاب و کتابخانه	145
	语法	条件状语从句	148
第二课	课文	گندم سیاه	154
	语法	比较状语从句	157
第三课	课文	بهترین مکان دنیا	162
	语法	主语从句 (一)	165
第四课	课文	پسر فداکار	172
	语法	原因状语从句	175
第五课	诗歌	گوش دار ساعت چه گوید	182
	阅读	محمّد بن زکریای رازی، کاشف الکلی	184
第六课	课文	نفت	189
	语法	不定人称句, 主语从句 (二)	192
第七课	课文	فداکاری مادر و عزم و اراده فرزند (۱)	198
	语法	宾语补语	200
第八课	课文	فداکاری مادر و عزم و اراده فرزند (۲)	206
	语法	宾语从句 (二)	209
第九课	课文	عصر نضا	215
	语法	让步状语从句	218
第十课	诗歌	اشک بستم	223
	阅读	نامنویسی	225

第十一课	课文	(۱) فداکاری	233
	语法	程度状语从句	236
第十二课	课文	(۲) فداکاری	241
	语法	结果状语从句	244
第十三课	课文	(۱) ادریسون	250
	语法	目的状语从句	253
第十四课	课文	(۲) ادریسون	259
	语法	地点状语从句	262
第十五课	课文	خسب	269
第十六课	诗歌	پشه و چنار	277
	阅读课文	نمایش	279
词汇表		واژه‌ها	281

درس اول

کتابخانه	کلاس	کتابخانه
语法	将来时	

متن

کتابخانه، کلاس

بچه‌ها همه می‌خواستند بدانند که چگونه می‌توانند در کلاس، کتابخانه‌ای داشته باشند. به همین دلیل با بی‌صبری منتظر آمدن خانم آموزگار بودند و همین که معلمشان به کلاس آمد، همه ساکت سر جای خود نشستند.

خانم آموزگار گفت: خوب بچه‌ها، قرار است امروز ببینیم چگونه می‌توانیم در کلاس کتابخانه کوچکی تشکیل بدهیم. اگر بتوانیم چنین کاری بکنیم، ممکن است کلاسهای دیگر هم از ما تقلید کنند و به این ترتیب کم‌کم همه کلاسها برای خود کتابخانه‌ای تشکیل دهند. من از مدیر دبستان اجازه گرفته‌ام که به دیوار رو به روی تخته سیاه تخته‌ای بگویم تا بتوانیم کتابهایمان را روی آن بگذاریم. کدامیک از شما می‌تواند تخته و میخ و دیگر لوازم را با خود بیاورد؟ هر کس این کار را بکند، اولین عضو کتابخانه، کلاس خواهد بود.

مهری دستش را بلند کرد و گفت: خانم، پدر من نخار است و گمان می‌کنم بتواند بیاورد و تخته‌ای برایمان به دیوار نصب کند. بچه‌ها خیلی خوشحال شدند و برای اولین عضو کتابخانه کف زدند. سپس خانم آموزگار گفت: حالا هر یک از شما باید یکی از کتابهای مناسب را بخرد و به کتابخانه، کلاس اهدا کند. به این ترتیب هر یک از شما می‌توانید با خرید یک جلد کتاب از پنجاه جلد کتاب استفاده کنید، چون کلاس شما پنجاه شاگرد دارد. من از پروین می‌خواهم که دفتری تهیه کند و در آن نام کتاب و نویسنده، آن و نام اهدا کننده، کتاب را یادداشت کند.

کند .

مهین پرسید : خانم اگر کسی در خانه از این کتابها داشته باشد، می‌تواند یکی از آنها را بیاورد ؟

خانم آموزگار جواب داد : البته، ولی به شرط این که اولاً با اجازه پدر و مادرش این کار را بکند و ثانیاً کتاب خیلی کهنه و پاره نباشد .

آزر پرسید : خانم اگر کسی کتابی گرفت و آن را گم کرد، چه باید کرد ؟

خانم آموزگار جواب داد : مرجان در دفتر دیگری نام کتاب و نام غیرده، آن و تاریخی را که کتاب از کتابخانه گرفته می‌شود می‌نویسد. اگر اتفاقاً کسی کتابی را گم یا پاره کرد، باید آن کتاب را بخرد و به کتابخانه برگرداند. اما من یقین دارم از این اتفاقها در کلاس ما خیلی کم پیش خواهد آمد. چون همه شما کتاب خواندن را دوست دارید و می‌دانید که چگونه از کتاب نگهداری کنید تا پاره و گم نشود .

واژه‌ها

因此 (介)	به این ترتیب	怎样, 如何 (形、副)	چگونه
[be een tarteeb]		[chegoone]	
校长、经理 (名)	[modeer] مدیر	理由 (名)	[daleel] دلیل
小学 (名)	[dabestān] دبستان	不耐烦, 急躁心情 (名)	بی صبری
钉 (动)	[koobeedan] (کوب) کوبیدن	[bee sabree]	
板 (名)	[takhte] تخته	教师 (中、小学的) (名)	آموزگار
钉子 (名)	[meekh] میخ	[āmoozgār]	
必需品 (名)	[lavāzem] لوازم	安静的 (地) (形、副)	ساکت
成员 (名)	[ozv] عضو	[sāket]	
举起, 抬起 (动)	[boland-] بلند کردن	模仿 (动)	[taghleed-] تقلید کردن

第二 (数) [sāniyan]	ثانیا	木匠 (名) [nejjār]	نجار
破损的 (形) [pāre]	پاره	鼓掌 (动) [kaf-]	کف زدن
接收者 (名) [geerande]	گیرنده	适当的 (形) [monāseb]	مناسب
日期 (名) [tāreekh]	تاریخ	赠送 (动) [ehdā-]	اهداء کردن
归还 (动) [bar gardāndan]	برگرداندن	赠送者 (名) [-konande]	اهداء کننده
保存 (动) [negahdaree]	نگهداری کردن	第一 (数) [avvalan]	اولا

دستور زبان

将来时

1. 将来时的构成

动词词干 + 连写人称词尾 + 助动词 خواستن 的词根。

1) 简单动词

خواهیم آمد، نخواهیم آمد	ما	خواهیم آمد، نخواهیم آمد	من
خواهید آمد، نخواهید آمد	شما	خواهی آمد، نخواهی آمد	تو
خواهند آمد، نخواهند آمد	آنها	خواهد آمد، نخواهد آمد	او

2) 复合动词

کار خواهیم کرد، کار نخواهیم کرد	ما	کار خواهیم کرد، کار نخواهیم کرد	من
کار خواهید کرد، کار نخواهید کرد	شما	کار خواهی کرد، کار نخواهی کرد	تو
کار خواهند کرد، کار نخواهند کرد	آنها	کار خواهد کرد، کار نخواهد کرد	او

2. 将来时的用法

这个时态用于书面较多，在口语中运用时可以用来表示决心和意愿，例如在否定时表示“决不……”“将不会……”，在肯定句中常用于判断性

口气“一定会……”“就会……”“将会……”。

D 表示将来发生的动作

مدرسه، ما يك هفته ديگر باز خواهد شد .

我们学校再过一星期就要开学了。

این سمینار در سال آینده در یکن تشکیل خواهد شد .

学术讨论会明年将在北京召开。

مادر شما از دریافت نامه تان خوشحال خواهد شد .

你的母亲接到你的信一定会很高兴的。

2) 表示意愿和决心

无论如何，我都不去旅行。

در هر صورت، من به سفر نخواهم رفت .

我们不再分开了。

ما ديگر از هم جدا نخواهيم شد .

اگر با جدیت کار کنید، مسلماً در حدود دو، سه سال فارسی را فرا خواهید گرفت .

如果你埋头苦干，二、三年内肯定学会波斯语。

تمرین

۱- از فعلهای زیر را مستقبل بسازید و آنرا صرف کنید .

برخاستن گفتن توانستن خریدن

۲- ترکیبهای زیر را در جای خط کشیده جایگزین کنید و طبق نمونه باز نویسی کنید .

(۱) نمونه: حال بهرام بهتر شده است. یقین دارم که دو سه روز دیگر کاملاً خوب

خواهد شد .

ماه آینده ما با هم به سین جیان سفر کردن

دو سه روز دیگر از بیمارستان مرخص شدن
در امتحان شرکت کردن
در مسابقه باسکتبال شرکت کردن

۲) نمونه: قرار است بینیم چگونه می‌توانیم در کلاس کتابخانه کوچکی تشکیل بدهیم.

- 1) 每个人给班里买几本合适的书。
- 2) 到达目的地后，给我打个电话。
- 3) 大约一星期内，我把这本书还给图书馆。
- 4) 他把自己的研究成果和心得体会给我们写下来。(یاد داشت کردن)
- 5) 他在回国前给我们打个电传。

۳- هر يك از دو جمله زیر را با استفاده از "به شرط آنکه" به صورت يك جمله بنویسید.
نمونه: کسی در خانه از این کتابها داشته باشد، می‌تواند آنها را بیاورد، به شرط آنکه
اولاً با اجازه پدر و مادرش این کار را بکند.

- ۱) هر مشکلی را می‌توان حل کرد. شما فکر (کردن) و تصمیم (گرفتن).
- ۲) شما می‌توانید زندگی خوبی داشته باشید. شما با هم دوست (بودن).
- ۳) کار نشد ندارد. شما نباید نا امید (شدن) و دست از کوشش (کشیدن).
- ۴) او آدمی خوبی است. او خشمگین (نشدن).
- ۵) امسال گندم و جو فراوان خواهد بود. برف و باران زیاد (بودن).

۴- جمله‌های زیر را با ترجمه زبان چینی کامل کنید.

۱) من از _____ (مدير) اجازه گرفته‌ام که _____.

(这本书再续借三天)

۲) هر کس که این کار را بکند، ----- (就会受罚).

۳) به شرط این که ----- (大家都安静地坐在自己的座位上).

من برای شما داستان بیان خواهم کرد.

۵- جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

1) 你买这个旅行包干什么？难道要去外地出差吗？

——是的，今年暑假我要去上海出差。

2) 他将在巴黎停留三天。

3) 明年我弟弟将毕业，参加工作。

4) 暑假什么时候开始？你回家还是留在学校？

5) 我对他说了，但他认为这样的事是不会发生的。

۶- سوال و جواب

1) چرا بچه‌ها با بی صبری منتظر آمدن خانم آموزگار بودند ؟

۲) آیا هر کلاس برای خود کتابخانه‌ای داشت ؟

۳) آموزگار از مدیر دبستان چه اجازه‌ای گرفته بود ؟

۴) اولین عضو کتابخانه که بود ؟ چرا ؟

۵) چرا هر یک از شاگردان که فقط یک کتاب داده بود، می توانست از پنجاه جلد

کتاب استفاده کند ؟

۶) اگر کسی کتابی گرفت و آن را گم کرد، باید چه کند ؟

۷- متن زیر را بخوانید.

نماینده، کلاس سوم دبستان ابن سینا

در دبستان ابن سینا، شاگردان هر کلاس نمایدگانی برابر مدت یک ماه انتخاب می‌کردند تا بعضی از کارهای لازم کلاس خود را انجام بدهند. این نمایندگان مسئول حفظ نظم و ترتیب دبستان نیز بودند.

اول ماه بود. آن روز کلاس سوم جنب و جوش بیشتری داشت. قرار بود شاگردان نمایندگان جدیدی انتخاب کنند. آموزگار وارد کلاس شد. پس از آن که شاگردان آرام بر جای خود قرار گرفتند، گفت: امروز بار دیگر شما باید دو نفر از همکلاسه‌های خود را انتخاب کنید. بیایید یکبار دیگر ببینیم نماینده، خوب باید چه صفاتی داشته باشد.

آموزگار محمدا را به پای تخته خواند تا نظر شاگردان را بنویسد.

علی گفت: نماینده باید عادل و امین باشد.

حسن گفت: نماینده باید درسخوان و جدی باشد.

سعید گفت: نماینده باید کارداران و شایسته باشد.

رضا گفت: نماینده باید مرتب و منظم باشد.

یکی از شاگردان از آخر کلاس گرفت: نماینده باید کسی باشد که بچه‌های دیگر

دوستش باشند.

محمدا گفت: نماینده باید صبر و حوصله داشته باشد.

آموزگار گفت: بسیار خوب، پس شما می‌دانید که نماینده، کلاستان باید چه صفاتی

داشته باشد. اکنون روی یک ورق کوچک کاغذ اسم دو نفر را که به نظر شما شایسته، این

کارند، بنویسید. بعد رأیها را می‌خوانیم و آن دو نفری را که بیشتر از دیگران رأی آورده‌اند به نمایندگی کلاس قبول می‌کنیم.

سرمشق خط تحریری

ص، ض، ز، آن، ک

صبح، صبحانه، صدا، صورت، صابون، ضبط، صبر

صاحب، صدف، صفا، صحت، صبح

درس دوم

زمین و خورشید و ستارگان 课文
语法 等级比较

متن

زمین و خورشید و ستارگان

چون خورشید از همه ستارگان ثابت دیگر به ما نزدیکتر است، بزرگتر و درخشانتر از آنها به نظر می‌رسد. نور خورشید به اندازه‌ای شدید است که نگاه کردن به آن بی عینک آفتابی چشم را می‌زند و خطرناک است.

می‌دانید که خورشید به زمین نور و گرما می‌دهد. آیا هرگز به این اندیشیده‌اید که اگر خورشید از نورفشانی باز ایستد، در زندگانی جانوران و گیاهان چه اتفاقی خواهد افتاد؟ شاید تعجب کنید اگر بگوئیم که خورشید نیز یکی از هزاران هزار ستاره‌ای است که در آسمان وجود دارد. بسیاری از این ستارگان از خورشید ما گرمتر و درخشانترند. اما چون نسبت به خورشید از ما دورترند، کوچکتر و کم‌نورتر از آن به نظر می‌رسند.

در حقیقت خورشید و اینگونه ستارگان گویهای بسیار بسیار بزرگی از گازهای گرم و فروزانند و گرمی آنها از گرمی هر کوره‌ای بیشتر است.

دانشمندان توانسته‌اند بزرگی بسیاری از ستارگان را معین کنند. بسیاری از ستارگان به مراتب از خورشید بزرگترند.

خورشید بسیار بزرگتر از ماه است. اگر درون زمین تهی بوده در حدود پنجاه گوی به بزرگی ماه در آن جا می‌گرفت. و اگر درون خورشید تهی بود، بشر از یک میلیون گوی به بزرگی زمین در آن جا می‌گرفت. حال بزرگی زمین را با همه کشورها و اقیانوسهای آن در نظر بگیرید و محسّم کنید که خورشید چقدر بزرگ است. چون خورشید بسیار دورتر از ماه به

زمین است، آن را از زمین تقریباً به اندازه ماه می بینیم.

در شبهایی که آسمان صاف و تاریک است، تقریباً سه هزار ستاره در آن دیده می شود. بعضی از این ستارگان بزرگتر و برخی کوچکتر به نظر می آیند. به نظر شما بزرگی یک ستاره چقدر است؟ به اندازه یک درخت است؟ به اندازه یک خانه است؟ به اندازه یک ساختمان چند طبقه است؟

پاسخ دادن به این سؤاها مشکل است زیرا ستاره کوچکی که به زمین نزدیک است، بزرگ به نظر می رسد و ستاره بزرگی که از آن دور است، کوچک دیده می شود. بی شک دیده اید که هواپیمای بزرگی که دور از شما پرواز می کند، گاهی از گنجشکی که در نزدیکی شما پرواز می کند، کوچکتر به نظر می رسد. و نیز دیده اید که هنگام شب چراغهای اتومبیل از دور مانند دو نقطه روشن کوچک به نظر می رسند ولی کم کم که اتومبیل نزدیک می شود، چراغهای آن بزرگتر و روشنتر دیده می شوند. ستارگان نیز همینطورند. ستارگانی که نزدیکترند، روشنتر و بزرگتر و آنها که دورترند، کوچکتر و کم نورتر به نظر می رسند.

واژه ها

危险的 (形) [khatarnāk]	خطرناك	太阳 (名) [khorsheed]	خورشيد
光 (名) [noor]	نور	星(名) [setāregān]	ستارگان (ستاره)
热 (名) [garmā]	گرما	固定的 (形) [sābet]	ثابت
想 (动) [andeesheedan]	اندیشیدن	发光的, 闪耀的 (形)	درخشان
发光 (名) [noorafshānee]	نورافشایی	[derakhshān]	
停止 (动)	باز ایستادن	没有..... (前缀) [bee]	بی ...
[bāz eestādan]		眼镜 (名) [eynak]	عیند
生活 (名) [zandegānee]	زندگانی	刺入, 插入 (动) [zadan]	زدن

确定(动)[mo-ayyan-]	معین کردن	动物(名)[jānevar]	جانور
次数,倍(名)[marāteb]	مراتب(مرتبه) 単	植物(名)[giyāh]	گیاه
真空的(形)[tohee]	تهی	发生(动)[ettefāgh-]	اتفاق افتادن
现在(副)[hāl]	حال	奇怪(动)[ta'ajjob-]	تعجب کردن
海洋(名)[oghyānoos]	اقیانوس	天空(名)[āsemān]	آسمان
考虑(动)[-nazar-]	در نظر گرفتن	存在(动)[vojoode-]	وجود داشتن
使...形象化[mojassam-]	مجسم کردن	事实(名)[hagheeghat]	حقیقت
晴朗的(形)[sāf]	صاف	球,球体(名)[gooy]	گوی
一些(代)[barkhee]	برخی	气体(名)[gāz]	گاز
回答(动)[pāsokh-]	پاسخ دادن	发光的(形)[foroozān]	فروزان
怀疑(名)[shak]	شک	热(名)[garmee]	گرمی
飞(动)[parvāz-]	پرواز کردن	炉子(名)[koore]	کوره
麻雀(名)[gonjeshk]	گنجشک	大小尺度(名)[bozorgee]	بزرگی
暗淡的,暗的(形)[kamnoor]	کم نور		

دستور زبان

等级比较

在波斯语中表示“与...一样”或“不如...”的意思时，常有以下的介词和介词短语：

چون، مانند، مثل / به اندازه، به یک اندازه، به همان اندازه
 بقدر، به همان قدر / به همان گونه

1. 形容词等级比较的常用句型如下：

۱- هوای تابستان یکن مانند هوای زادگاه من گرم است. (نیست)

北京夏季的天气同我的家乡的天气一样热。(或...不如...)

۲- کتابهای من به اندازه کتابهای علی است.

我的书同阿里的书一样多。

۳- تقی همان اندازه خوب است که حسن.

塔基和哈桑一样好。